

تحلیل خطا در آموزش زبان‌های خارجی با توجه ویژه به ارزیابی خطا در آموزش ترجمه

محمد رضا دوستی زاده*

استادیار زبان آلمانی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، ایران

آذر فرقانی تهرانی**

دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۷، تاریخ تصویب: ۹۱/۱/۲۹)

چکیده

تکوین و توسعه دانش و مهارت زبانی دانشجویان از اصلی‌ترین اهداف کلاس درس زبان خارجی دانشگاهی است. منظور از تکوین مهارت ترجمه در کلاس درس ترجمه، ایجاد توانایی در باز آفرینی مطلوب انواع متون، از زبان مبدأ به زبان مقصد است. تحقق این هدف با بکارگیری شیوه‌های گوناگون در کلاس درس ترجمه امکانپذیر است. تحلیل خطا به عنوان یکی از زیرشاخه‌های اصلی زبانشناسی کاربردی، از یکسو در گستره مباحث مربوط به آموزش زبان و از سوی دیگر در آموزش ترجمه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بررسی عوامل مؤثر در تحلیل خطا، نقش بکارگیری نظریه‌های مرتبط با علم ترجمه در کلاس درس ترجمه، شیوه‌های تشخیص، طبقه‌بندی، ارزیابی و تصحیح خطا و تأثیر ارائه انواع متون ترجمه شده در کلاس ترجمه آلمانی از اهداف اصلی مقاله حاضرند.

واژه‌های کلیدی: خطا، تحلیل خطا، آموزش زبان خارجی، آموزش ترجمه، نقد ترجمه، تحلیل گفتمان.

* تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۲۲۳، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: dostizadeh@ut.ac.ir

** تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۲۲۳، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: azar.forghani@yahoo.de

مقدمه

واژه «خطا» یکی از مهمترین عبارتها در فرایند یادگیری زبان مادری و نیز آموزش زبان دوم و یا زبان خارجی است. به طور کلی، منظور از خطا «تخطی و انحراف از قاعده یا استاندارد زبانی» است. خطاها تحت دیدگاه‌های مختلفی مانند «سطوح توصیفی زبانشناختی» نظیر آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، سبک‌شناسی و غیره، «نوع» مانند خطاهای توانشی در مقابل خطاهای کنشی، «علت» مانند تداخل زبانی تحت تأثیر زبان مادری یا زبان دیگر، عوامل شخصی یا فرهنگی و غیره طبقه‌بندی می‌شوند. پیشینه تحقیق در زمینه «خطا و بررسی آن در کلاس درس آموزش زبان خارجی» به چند دهه قبل باز می‌گردد. پس از جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه شصت میلادی، یادگیری زبان خارجی از طریق عادات زبانی و اصول و تمرین‌های از پیش تعیین شده و مشخص (به ویژه در شیوه شنیداری-زبانی) هدف اصلی کلاس درس زبان خارجی بود. از اواخر دهه شصت تاکنون، پژوهشگران گستره آموزش زبان بر این باورند که آموزش زبان (خارجی) به شیوه «تقلید خالی از خطا» غیر ممکن است. بروز خطا در فرایند یادگیری زبان امری بدیهی است، چراکه خطاها طبیعی و غیر قابل اجتنابند و به هنگام یادگیری از سوی زبان‌آموزان، همواره رخ می‌دهند. آنچه در این زمینه دارای اهمیت ویژه است، راه و روش صحیح، مناسب و منطقی در رویارویی با خطا، شناسایی علل بروز خطا و چگونگی پرداختن به آن‌ها و تلاش در راستای کاهش آن‌ها در روند آموزش و یا در جریان تدریس است. با توجه به این‌که تمرین‌های مربوط به آموزش زبان خارجی و سنجش بازده زبان‌آموزان همچنان جنبه خطا محوری دارد، چگونگی رویارویی با خطاها و تحلیل آن‌ها در روند آموزش زبان خارجی کاری مهم است، که نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد. امروزه در این زمینه که خطا مؤلفه‌ای جداناپذیر در آموزش زبان خارجی است، وحدت نظر وجود دارد. در این رابطه نظریه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده‌اند. تحلیل خطا به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم زبانشناسی کاربردی تنها منحصر به شناسایی، طبقه‌بندی، ارزیابی و تصحیح خطا در فرایند آموزش زبان خارجی نمی‌شود، بلکه در آموزش ترجمه نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. اگرچه تعریف خطا در آموزش زبان خارجی از تعریف آن در آموزش ترجمه متفاوت است، به کارگیری مدل‌های تحلیل خطا در آموزش ترجمه، بدون پشت سر گذاشتن مراحل تحلیل خطا در آموزش زبان خارجی، امکان‌پذیر نیست. بنابراین در مقاله حاضر ابتدا به معرفی مراحل تحلیل خطا در آموزش زبان خارجی می‌پردازیم. همانطور که می‌دانیم هدف اصلی گرایش دانشگاهی «ترجمه»، تربیت مترجمان زبده و آماده‌سازی آن‌ها برای ورود به بازار کار است.

محقق شدن این هدف، بدون بکارگیری شیوه‌های مناسب آموزش ترجمه در کلاس درس ترجمه میسر نمی‌شود. یکی از این شیوه‌ها، بکارگیری مدل‌های نقد ترجمه در قالب تحلیل خطا است. در مقاله حاضر به بررسی تحلیل خطا از منظر آموزش زبان خارجی و آموزش ترجمه می‌پردازیم. در این راستا تحقیقی در کلاس درس ترجمه متون علوم انسانی رشته مترجمی زبان آلمانی دانشگاه اصفهان، با استفاده از شیوه گفتاری - تحلیلی انجام گرفته و نتایج آن مورد بررسی قرار گرفتند. از آنجا که تعریف پدیده خطا در گستره آموزش زبان خارجی از تعریف و چگونگی آن در آموزش ترجمه قابل تمایز است و این پدیده به طور کلی از دو دیدگاه مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد، در این مقاله ابتدا به تعریف «خطا» در هر دو زمینه یاد شده می‌پردازیم و در انتها شیوه تحلیل خطا در کلاس درس ترجمه دانشگاهی را بررسی می‌کنیم. پیش از هر چیز نگاهی بر دیدگاه‌های تاریخی موجود در رابطه با «خطا» داریم.

دیدگاه‌های تاریخی موجود در مورد خطا

از همان ابتدای آموزش زبان‌های خارجی، به اظهارات اشتباه زبان‌آموزان اهمیت خاصی داده می‌شد. بر طبق نظریه وده درباره پدیده خطا، سه دیدگاه مختلف وجود دارد: بر اساس دیدگاه نخست، خطا محصول و فرآورده زبان‌آموزان است. دیدگاه دوم، خطا را اساس و ریشه عواملی می‌داند که موجب تولید آن از سوی زبان‌آموز می‌شود. در دیدگاه سوم، خطا پدیده‌ای است که از سوی معلم ارزشیابی می‌گردد.

درباره پدیده خطا به طور کلی دو نظریه اصلی وجود دارد:

اولین نظریه که بویژه در دهه هفتاد میلادی مورد بررسی قرار گرفت، خطا را آفتی می‌پندارد که از همان ابتدا قابل اجتناب است. بنا بر نظر کیلهوفر «مبارزه با خطاها و ریشه‌کن سازی آنها از مهمترین وظایف کلاس درس آموزش زبان خارجی است» (کیلهوفر ۲۱). در این نظریه، از زبان‌آموزان انتظار می‌رود از ابتدا ساختارهای صحیح زبانی را آموخته و همان‌ها را ارائه دهند. در اینجا آموزش بر پایه پیشگیری از بروز خطا شکل گرفته است. اساس این نظریه، پندار آموزش زبان است که در دهه پنجاه میلادی مطرح شد. بر طبق نظریه رفتارگرایی، یادگیری زبان تحت تأثیر عادات است. لگنهاوزن اظهار می‌دارد که رابطه محرک/پاسخ رابطه‌ای خودکار است، بدینگونه که «عادات قبلی مربوط به زبان مادری یادگیری قواعد زبانی جدید را به طور تعیین کننده‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهند» (لگنهاوزن ۴۷). تفاوت نظام‌های زبانی موجب انتقال اشتباه عادات زبانی پیشین می‌گردند. بنا بر نظریه رفتارگرایی زبان انتظار می‌رود که

تحلیل‌های روشمند و مقابله‌ای زبان اول و زبان در حال یادگیری، بتوانند نقش تعیین کننده‌ای در بهبود منابع آموزشی و تدریس داشته باشند. بر اساس اصول رفتارگرایانه، می‌بایست از طریق ارائه تمرین‌های مختلف، از انتقال عادات مربوط به زبان مادری، که موجب تولید ساختارهای اشتباه در زبان مقصدند، جلوگیری کرد. بدین منظور، باید ارتباط میان محرک و پاسخ را با تصحیح سریع و بی‌وقفه، تضعیف و یا خنثی کرد. طبق این نظریه از جمله علل و عوامل بروز خطا، تمرین اندک و ناکافی، کاهلی و بی‌تفاوتی، فقدان توانایی هوشی لازم، عدم تمرکز کافی و به عبارت دیگر، عدم تسلط بر ماده آموزشی است. نیکل در سال ۱۹۷۱ نوشت که رابطه بین تفاوت و یا شباهت نظام‌مند زبان‌ها و مشکلات مربوط به یادگیری زبان خارجی، بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که تصور می‌رود (همان). پیشگویی‌های علم زبانشناسی مقابله‌ای درباره ریشه‌های خطا، تنها در برخی موارد صدق می‌کردند. نظریه‌های مربوط به یادگیری زبان خارجی به مرور و با گذشت زمان تغییر مسیر پیدا کردند. در اواخر دهه هشتاد، پرداختن به موضوع خطا و تفسیر آن، ابعاد جدیدی به خود گرفت. دومین نظریه که در برابر نظریه نخست قرار می‌گیرد و در حال حاضر نیز مطرح است، خطاها را مهمترین و ضروری ترین مؤلفه‌های یادگیری زبان خارجی و یا به عبارت دیگر، شاخص‌های مثبت سنجش میزان پیشرفت در یادگیری زبان آموز معرفی می‌کند. گنوتزمن بر این عقیده است که «بروز خطا واقعی انکارناپذیر است که در ارتباطات انسانی، همواره وجود داشته و به همین دلیل در ارتباطات نوشتاری و گفتاری، کاری طبیعی به شمار می‌رود» (میشلیس ۳۶). دیدگاه‌های جدید خطاها را به عنوان عناصر نظام‌مند یک دستور زبان در حال یادگیری معرفی می‌کنند. زبان در حال یادگیری موقت دارای عناصری غیر از عناصر زبان مبدأ و مقصد است. این ساختارها بر اساس اصول جهان‌شمول تا حدی توسط خود زبان‌آموزان شکل می‌گیرند. این مرحله از یادگیری تا حدودی نظام‌مند و روشمند است. پیت کورد در سال ۱۹۶۷ با استناد بر نظریه شناختی آموزش زبان، که یادگیری را روندی خلاق و سازنده معرفی می‌کند، مقاله‌ای با عنوان «اهمیت خطاهای زبان‌آموزان» ارائه داد. از نظر وی خطاها شاخص‌های مهمی‌اند که سطح توانایی حاصل شده در فرایند یادگیری زبان خارجی را مشخص می‌سازند (هاردن ۷۳). او میان "errors" و "mistakes" تفاوت قائل می‌شود. "errors" اشتباه‌های نظام‌مند توانایی زبانی زبان‌آموزند و بیانگر سطح زبان در حال یادگیری (Interimsprache, Interlanguage) زبان‌آموز در یک زمان مشخص‌اند، در حالی که "mistakes" خطاهای وابسته به موقعیت‌اند (همان ۷۶). بدین ترتیب بر اهمیت پدیده خطا افزوده شد، چراکه خطاها نمایانگر میزان و سطح یادگیری و

راهبردهای به کار گرفته شده در فرایند آموزش زبان‌اند. افزون بر این معلمان می‌توانند در زمینه عملی نیز به کمک تحلیل خطا میزان پیشرفت زبان‌آموزان خود را بسنجند و بر اساس آن درباره شیوه آموزش خود تصمیم‌گیری کنند. بر اساس نظر کورد در واقع تفاوتی میان آموزش زبان اول و زبان دوم وجود ندارد، بدین معنا که آموزش زبان دوم شباهت ساختاری زیادی با آموزش زبان مادری دارد.

بر اساس نظریه‌های جدید آموزش زبان که اصلی‌ترین نمایندگانش کورد و سلینکرنند، فرایندهای ذهنی در حین آموزش زبان، نقش مهمی در یادگیری زبان ایفا می‌کنند. در تحقیقات و بررسی‌هایی که تا کنون در زمینه تحلیل خطا صورت گرفته است، به بررسی فرایندهای ذهنی که به تولید خطا می‌انجامند، بیش از هر عامل دیگر توجه می‌شود. اگرچه نظریه کورد منشأ و پایه تحقیقات تجربی بسیاری شد، اما بیشتر معطوف مشکلات ریشه‌ای آموزش زبان خارجی بوده و کمتر به مسائل و سؤالات عملی مربوط به کلاس درس می‌پردازد. پرداختن به خطا و ارزیابی آن بیش از هر چیز وابسته به شناسایی خطاها و توصیف آن‌ها در فرایند عملی آموزش است.

پایه‌های نظری تحلیل خطا

اهداف تحلیل خطا بطور کلی خارج از گستره شناختی زبانشناسی قرار دارند و بیشتر جنبه آموزشی و اجتماعی دارند. با این وجود، هر تحلیل خطایی مستلزم اثبات زبانشناختی است. تحلیل خطا یکی از شاخه‌های علمی زبانشناسی کاربردی است و از دو نظر وابسته به نظریه است: از نظر هلینگر تحلیل خطا از یکسو به عنوان یک «ابزار عملی برای تأیید و یا رد خطاهای پیش‌بینی شده از سوی دستور زبان مقابله‌ای» به حساب می‌آید و از سوی دیگر «حقایق کمی و کیفی مهمی برای نظریه آموزش زبان» به همراه دارد (کلپین ۹۶). بدین معنا که علم تحلیل خطا قادر به کشف خطاهایی است که به کمک علم زبانشناسی توصیف‌ناپذیرند. نقش کاربردی تحلیل خطا این است که بر اساس نتایج آن می‌توان کتاب‌های آموزشی مناسبی برای یادگیری زبان خارجی تألیف و ارائه کرد.

پدیده خطا در آموزش زبان خارجی

در دهه‌های پنجاه و شصت سده گذشته میلادی، پدیده خطا از دیدگاهی به طور کلی انتقادی، مورد توجه قرار می‌گرفت. در این دیدگاه، هدف اصلی کلاس درس زبان خارجی

ارائه صحیح و بدون خطای ساختارهای زبانی توسط زبان‌آموزان بود. این دیدگاه بر آن باور بود که پدیده خطا آفتی گریز ناپذیر است. بر این مبنا وظیفه پیشگیری از ایجاد زمینه‌های خطا، از همان مراحل نخستین یادگیری، بر عهده معلم بود. همانگونه که پیشتر اشاره شد، این باور بیش از هر چیز ریشه در نظریه رفتارگرایی داشت که بر اساس آن آموزش زبان خارجی با تعلیم عادات زبانی برابری می‌نمود، بدان معنا که عادات مربوط به زبان مادری نقش مستقیم و تعیین‌کننده‌ای بر یادگیری قواعد یک زبان بیگانه ایفا می‌کنند. نظریه رفتارگرایی بر این عقیده استوار بود که با استفاده از تحلیل‌های مقابله‌ای روشمند میان زبان مادری و زبان خارجی، می‌توان گام مثبتی در توسعه و بهبود منابع آموزش زبان برداشت.

دیدگاه دیگری که در دهه‌های بعد مورد توجه قرار گرفت و در واقع، نقطه مقابل دیدگاه قبلی است، پیدایش و بروز خطا در آموزش زبان خارجی را از دیدگاهی منفی بررسی نمی‌کند، بلکه از منظر این دیدگاه، «خطا» و پیدایش آن به عنوان مرحله‌ای بایسته و گریزناپذیر در فرایند آموزش زبان به شمار می‌رود. بر اساس این نظریه، بروز خطا توسط زبان‌آموز، مرحله‌ی میانی در فرایند آموزش زبان خارجی است. نیکل بر این عقیده است که «خطاها کارکردی «تصحیح‌کننده» دارند و جزئی جداناپذیر و ضروری در فرایند آموزش زبان خارجی‌اند» (نیکل ۲).

«تخطی از استانداردهای زبان مقصد» تعریفی است که نظریه‌پردازان آموزش زبان خارجی از عبارت «خطا» داده‌اند. اما این تعریف نمی‌تواند گویای کلیه ویژگی‌های پدیده خطا باشد، چرا که «تخطی و انحراف از قاعده‌های زبانی» نیز از علل پیدایش خطاست. هلینگر تأکید می‌کند که علم تحلیل خطا بدون در نظر گرفتن نرّم‌ها و یا به عبارت دیگر قواعد زبان معیار، قادر به تشخیص خطاهای توانشی نیست. از نظر وی «خطاهای نحوی، معنایی و آوایی با در نظر گرفتن قواعد زبان معیار قابل بررسی‌اند» (هلینگر ۹۰).

تفاوت اصلی «استاندارد» و «قاعده» در این است که «استاندارد» شامل جنبه‌های مربوط به بکارگیری زبان مقصد و «قاعده» به نظام زبانی مربوط می‌شود. بدین ترتیب و بر این اساس، خطاهای نظام‌مند و یا به عبارت دیگر خطاهای مربوط به توانش زبانی از خطاهای غیرنظام‌مند و یا به عبارت دیگر خطاهای کنشی متمایز می‌گردند. در جمله‌ای مانند *Ich spricht Deutsch*. یک خطای نظام‌مند (مربوط به قواعد زبان مقصد) قابل تشخیص است. این چنین خطاهایی که زبان‌آموز قادر به کشف و تصحیح آن‌ها نیست، به گستره توانش زبانی مربوط می‌شوند، بدان معنا که زبان‌آموز یک ساختار زبانی را هنوز نیاموخته و یا اشتباه آموخته است.

خطاهای غیرنظام‌مند شامل خطاهایی‌اند که توسط شخص زبان‌آموز کشف و تصحیح

می‌شوند. بروز اینگونه خطاها که به خطاهای مربوط به موقعیت نیز معروفند، به عوامل خارجی نظیر خستگی، بی‌توجهی، بی‌دقتی، دلهره و غیره بستگی دارند. تشخیص نوع خطا و چگونگی واکنش در برابر آن در فرایند آموزش زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحلیل خطا در فرایند آموزش زبان خارجی شامل مراحل است که در زیر بدان‌ها می‌پردازیم:

مراحل تحلیل خطا در فرایند آموزش زبان خارجی

مرحله اول: تشخیص خطا

تشخیص خطا، اصلی‌ترین پیش شرط تصحیح و ارزیابی آن است. معیار اصلی سنجش و تشخیص خطاهای زبانی معیار «صحت» است. تشخیص خطا به طور کلی از طریق مقایسه با استاندارد صورت می‌گیرد. از دیدگاه لگنهاوزن این استاندارد همان زبان معیار است (لگنهاوزن ۴۸). راه تشخیص خطاهای نحوی، معنایی، آوایی و غیره مقایسه عبارات و واژگان با قواعد زبان معیار است. جنبه دیگر تشخیص خطا به تمایز میان «صحت دستوری» و «تناسب کاربردی» مربوط می‌شود. بدین معنی که جمله اگر چه از لحاظ دستوری صحیح است، اما در صورتی که مخاطب جمله‌ای مانند "Weißt du, wo man hier ein Taxi bekommt?" فردی بزرگسال و ناشناس باشد، این جمله از دیدگاه کاربردی جمله‌ای نامناسب است (هاردن ۷۸). نوع دیگری از خطا شامل خطاهایی است که زبان آموز به طور عمد و تحت هیچ شرایطی مرتکب آن‌ها نمی‌شود. به همین دلیل تشخیص اینگونه خطاها کاری دشوار است. این گونه خطاها ناشی از ترس زبان‌آموز از بروز خطا و عدم به‌کارگیری عبارات و قواعد پیچیده زبان مقصد توسط اوست. این خطاها هیچگاه آشکار نمی‌شوند و به همین دلیل هم هیچگاه تصحیح نمی‌شوند و در حافظه زبان‌آموز به صورت اشتباه باقی می‌مانند.

مرحله دوم: توصیف و طبقه‌بندی خطا

پس از تشخیص خطا، نوبت به توصیف و طبقه‌بندی خطاها می‌رسد. درباره طبقه‌بندی و توصیف خطا نظریه‌های مختلفی وجود دارد. آنچه در این مرحله از فرایند تحلیل خطا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شناسایی و تشخیص علل بروز خطاست. یکی از مهمترین علل بروز خطا «تداخل زبانی» و یا به عبارت دیگر «تأثیر زبان مادری و یا زبان‌های از پیش آموخته شده بر نظام زبان موقت در حال یادگیری» است. گاهی نیز بروز خطا ریشه در زبان

خارجی در حال یادگیری دارد و به انتقال نادرست قواعد از زبان مادری مربوط نمی‌شود. اینگونه خطا که به خطای «در زبانی» معروف است، شامل تعمیم‌دهی قواعد، قاعده‌مندسازی، تسهیل قواعد، فرضیه‌سازی ذهنی غلط و به‌کارگیری ناقص قواعد زبان مقصد است (هاردن ۷۹-۸۰). چنین خطاهایی را نمی‌توان خطاهایی ساده و بی‌ارزش انگاشت، چراکه زبان‌آموز به دلیل شناخت و آگاهی از ساختارهای زبانی از پیش آموخته شده، مرتکب چنین خطاهایی می‌شود. به عنوان مثال در جمله‌ای مانند "Er möchte Ingenieur werden." صرف اشتباه سوم شخص مفرد مصدر möchten (مöchte بجای möchte) و در جمله‌ای مانند Ich gehe gestern einkaufen." صرف اشتباه گذشته ساده مصدر gehen (ging بجای gehen) ردیف خطاهای قاعده‌مندسازی طبقه‌بندی می‌شوند. در جمله‌ای نظیر "Ist das ein Mädchen oder ein Junger?" است (Junger بجای Junge). نمونه دیگری از علل بروز خطا به راهبردهای خشی‌کننده زبان‌آموز بر می‌گردد. در این حالت، زبان‌آموز می‌کوشد برای تعدیل و خشی‌سازی خلاءهای زبانی، از راهبردهایی نظیر توصیف، ایما و اشاره، به‌کارگیری معادل از زبان‌های دیگر از جمله زبان مادری، واژه‌سازی و غیره بهره‌گیرد. بکارگیری این راهبردها می‌تواند بدون شک و در بسیاری از موارد به بروز خطا بیانجامد. عامل دیگر را می‌توان به تمرین و بکارگیری بیش از اندازه برخی از پدیده‌های زبانی توسط معلم در کلاس درس زبان خارجی نسبت داد؛ به گونه‌ای که زبان‌آموزان این قواعد و پدیده‌ها را در موقعیت‌های نامناسب و نابجا به کار می‌گیرند. عوامل فردی نیز می‌توانند یکی از دلایل پیدایش خطا توسط زبان‌آموز به شمار روند. هیجان، بی‌علاقگی، خستگی، اضطراب و ترس شامل این دسته از عوامل اند. عوامل فرهنگی نیز می‌توانند در پیدایش خطا به‌هنگام بکارگیری زبان خارجی نقش داشته باشند. این عوامل به شیوه‌های رفتار زبانی و غیر زبانی مربوط می‌شوند که از فرهنگ مبدأ به فرهنگ مقصد منتقل می‌شوند. به طور مثال، در یک کلاس آموزش زبان آلمانی که در کشور زبان مقصد برگزار می‌شود، واکنش مثبت زبان‌آموزان چینی مبنی بر یادگیری قواعد، حتی در زمان عدم فهم قواعد زبان مقصد و تکرار اشتباهات از سوی آن‌ها از جمله شیوه‌های رفتاری است که از فرهنگ مبدأ به فرهنگ مقصد منتقل می‌شود (کلپین ۳۸).

مرحله سوم: ارزیابی خطا

یکی از مهم‌ترین گام‌های فرایند تحلیل خطا مرحله ارزیابی خطا است. گام‌های ذکر شده

پیشین بیشتر ریشه‌ی زبانشناختی دارند. در مرحله سوم تحلیل خطا، مخاطبان نیز در کنار زبان‌آموز اهمیت خاصی می‌یابند. به طور کلی این سؤالات مطرح‌اند که آیا مخاطبان متوجه خطا می‌شوند، چگونه متوجه خطا می‌شوند و این خطاها چه تأثیری در برقراری ارتباط میان زبان‌آموز و مخاطب می‌توانند داشته باشند؟ تشخیص این امر که یک خطا به اختلال در فهم و یا به ایجاد سوء تفاهم می‌انجامد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طور مثال خطاهای دستوری کمتر به اختلال در درک مفهوم منجر می‌شوند مانند "Du bist älter als mich"، اما خطاهای واژگانی، کاربردی و یا محتوایی بطور معمول موجب سوء تفاهم و اختلال در برقراری ارتباط می‌شوند، مانند خطاب دوستانه نام معلم یا استاد در جمله "Bist du Frau Müller?". تشخیص و تمایز میان خطاهای سهوی و خطاهای توانشی و یا به عبارت دیگر نظام‌مند اهمیت خاصی دارد. از نظر لگنهاوزن در مرحله ارزیابی خطا، تنها گزینه‌های مربوط به علم زبانشناسی مورد توجه قرار نمی‌گیرند؛ بلکه برآمدهای مربوط به علوم تربیتی و روانشناسی آموزشی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند (لگنهاوزن ۴۸). اما از آنجایی که این معیارها نسبی‌اند نمی‌توان آن‌ها را به سادگی از هم جدا کرد. لگنهاوزن چهار معیار مهم برای ارزیابی خطا برمی‌شمارد: «جایگاه خطا در نظام زبانشناسی؛ میزان و درجه محدودسازی ارتباط؛ جایگاه آموزشی و پرورشی و میزان دشواری در یادگیری» (همان ۱۱۰). از نظر وی برقراری ارتباط از عملکردهای اصلی زبان به حساب می‌آید. به همین دلیل ارزیابی خطا نقش اساسی در این زمینه بر عهده دارد.

مرحله چهارم: تصحیح خطا

اصلی‌ترین هدف فرایند تحلیل خطا و به‌کارگیری مراحل مختلف آن که شامل تشخیص، توصیف و ارزیابی و تصحیح خطا می‌شود، استفاده از نتایج حاصل از به‌کارگیری این فرایند در کلاس درس زبان خارجی است. تصحیح خطا آخرین مرحله از فرایند تحلیل خطا است. تعریف کینگز از تصحیح خطا «واکنش در برابر اظهارات زبانی اشتباه» است (کینگز ۳۷۷). این واکنش از دو دیدگاه مختلف انجام می‌گیرد: یا از نظر وجه زبانی (زبان‌گفتاری در مقایسه با زبان نوشتاری) و یا بر اساس موقعیت (ارتباط کلاسی در مقایسه با ارتباط طبیعی خارج از کلاس) (همان). تصحیح خطا در کلاس درس آموزش زبان خارجی به طور عمده توسط معلم صورت می‌پذیرد. شیوه تصحیح خطا بدون شک تأثیر مستقیمی بر چگونگی شکل‌دهی و ایجاد گفتگوهای درسی و به‌ویژه بر شیوه آموزش زبان خارجی دارد. مهمترین وظیفه مرحله آخر

فرایند تحلیل خطا ریشه‌کن‌سازی و رفع خطا به منظور پیشگیری از بروز آتی آن در فرایند یادگیری است. تصحیح خطاهای شفاهی به مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر از خطاهای کتبی است؛ چراکه زمان و شیوه تصحیح خطای شفاهی کاملاً متفاوت است. تصمیم‌گیری سریع معلم در تشخیص و چگونگی رویارویی با خطا و تصحیح آن عوامل تعیین‌کننده‌ای در تصحیح خطاهای زبانی شفاهی‌اند. در کلاس درس زبان خارجی به طور کلی دو نوع روش تصحیح خطا قابل تمایز است: تصحیح‌های مستقیم و تصحیح‌های غیرمستقیم. تصحیح مستقیم خطا به تصحیح‌هایی اطلاق می‌شود که در آن معلم، بی‌درنگ پس از بروز خطا، عبارت صحیح را بیان می‌کند. تصحیح غیرمستقیم خطاها به صورت تکرار عبارت صحیح و یا طرح سوال مجدد و نیز با استفاده از شیوه‌های متنوع دیگری انجام می‌گیرد. آنچه در ارتباط با تصحیح غیرمستقیم خطا حائز اهمیت ویژه‌ای است، توجه به روند طبیعی ارتباط به‌هنگام تصحیح عبارات و عدم ایجاد اختلال در تمرکز زبان آموز در حین یادگیری قواعد و عبارات زبان مقصد است.

آموزش ترجمه

علم آموزش به‌یادگیری و یاددهی مسائل محتوایی و رویکردهای روشمند شکل‌گیری فرایندهای آموزشی می‌پردازد و زیر شاخه علوم تربیتی است. علم آموزش به دو شاخه آموزش عمومی و آموزش تخصصی تقسیم می‌شود. آموزش تخصصی به یادگیری و یاددهی مهارت‌ها و توانایی‌های خاص می‌پردازد. آموزش ترجمه نیز جزء آموزش‌های تخصصی است. این شاخه تنها معطوف به علم ترجمه نمی‌شود، بلکه آموزش و روش تدریس و تحقیقات آموزش زبان را نیز در بر می‌گیرد. هدف اصلی آموزش ترجمه یادگیری و یاددهی ترجمه و تقویت مهارت ترجمه است. در کلاس ترجمه، این مهارت‌ها بر اساس اصول آموزشی به دانشجویان آموخته می‌شوند. طبق نظر کاوتز «معلم، زبان آموز، اهداف آموزشی و محتوای آموزشی» مهمترین برآمدهای آموزش ترجمه‌اند (کاوتز ۱۳۹). ترجمه، مؤلفه اصلی کلاس درس ترجمه است و منظور از آن «فرایند ترجمه» یا «حاصل این فرایند» است. تمرین‌هایی که در کلاس درس ترجمه به منظور شکوفایی و توسعه مهارت ترجمه به‌کار گرفته می‌شوند، تنها هدف «تولید متن مقصد» را دنبال نمی‌کنند، بلکه در پی آنند، مهارت ترجمه را طی فرایند ترجمه تقویت کنند. زیمن تعدادی از تمرین‌های مختلف را برای به‌کارگیری در کلاس درس ترجمه برمی‌شمرد که به تقویت همزمان دانش زبانی و مهارت ترجمه کمک می‌کنند. از جمله این تمرین‌ها، تمرین‌های مربوط به درک مفهوم و تحلیل متن مبدأ؛ تمرین‌های مربوط به جنبه‌های

تقابلی مانند مقایسه متون موازی از نظر نوع متن، واژگان، نحو و نظام زبانی؛ تمرین‌های مربوط به تحلیل خطا و بازنگری متن مانند تحلیل ترجمه‌های خطادار و مقایسه ترجمه خود با ترجمه حرفه‌ای؛ تمرین واژگان و دستور زبان از طریق ترجمه؛ مقایسه دو ترجمه و غیره را می‌توان نام برد.

نقش فرایند تحلیل خطا در آموزش ترجمه

در دهه‌های اخیر توجه ویژه‌ای به علم تحلیل خطا در آموزش ترجمه مبذول شده است، هر چند منابع و تحقیقات موجود در این زمینه بسیار اندک و انگشت شمارند. مهم‌ترین مباحث فرایند تحلیل خطا در گستره آموزش ترجمه به «مهارت ترجمه»، «نقد ترجمه» و «ارزیابی ترجمه» مربوط می‌شوند. تنظیم یک فهرست نهایی از انواع خطاهای ترجمه و یا طرح نموداری مرتبط با معیارهای ارزیابی آن، امری ناممکن به نظر می‌رسد؛ چرا که نوع متن، نویسنده زبان مبدأ و هدف او از نگارش متن، خواننده زبان مقصد و انتظارات وی از متن و دسته دیگری از عوامل از جمله برآمدهایی اند که در تشخیص خطاهای مربوط به ترجمه نقش تعیین کننده‌ای دارند. برای ترجمه یک متن نمی‌توان تنها به تسلط مترجم بر زبان مبدأ و زبان مقصد بسنده کرد. «مهارت ترجمه» عامل مهمی در این زمینه به حساب می‌آید. مهارت ترجمه به طور کلی شامل دانش زبانی و تسلط کامل به زبان مبدأ و مقصد، شناخت روابط هم ارزی میان زبان مبدأ و مقصد، شناخت کامل فرهنگ مبدأ و مقصد و غیره است. خطاهای ترجمه به طور عمده حاصل از مهارت زبانی ناقص مترجم در زبان مقصد، مهارت ناقص او در آشنایی با فنون علم ترجمه و نیز تخطی از نقش و عملکرد متن زبان مبدأ و یا متن زبان مقصد است. وظیفه مترجم افزون بر داشتن مهارت زبانی و مهارت ترجمه، به‌روز رسانی این مهارت‌ها است؛ و به همین دلیل است که متون مختلف در بازه‌های زمانی مختلف و در مکان‌های گوناگون نیز توسط یک مترجم واحد به طور یکسان ترجمه نمی‌شوند.

تعریف خطا در آموزش ترجمه

در بخش‌های پیشین بیان شد که خطاهای زبانی به عنوان تخطی از استانداردهای زبانی و یا تخطی از زبان معیار و نظام زبان مقصد تعریف می‌شوند. در ارتباط با خطاهای مربوط به ترجمه طبقه‌بندی خاص و مشخصی وجود ندارد. تُرد، خطاهای ترجمه را به سه دسته عمده تقسیم می‌کند: «خطاهای کاربردی که حاصل عدم توجه کافی به جنبه‌های کاربردی زبان

مقصدند، خطاهای فرهنگی که نتیجه عدم توجه به نظام‌های استاندارد و قراردادی زبان مقصدند، و خطاهای صوری که حاصل از توجه ناکافی به قوانین و عرف‌های صوری زبان مقصدند» (نرد ۱۹۵).

نقد ترجمه

هدف اصلی ترجمه، برگرداندن محتوای متن زبان مبدأ به زبان مقصد است. وظیفه نقد ترجمه مقایسه محتوای متن مبدأ و متن مقصد و ارزیابی تفاوت‌های حاصل از این قیاس است. کینگز نقد ترجمه را به سه مرحله تقسیم بندی می‌کند: «نقد متن، مقایسه متن زبان مبدأ و متن زبان مقصد و ارزیابی ترجمه» (کینگز ۲۰۴). شیوه‌های نقد ترجمه اساساً بر پایه معیارهای زبانشناختی صورت گرفته و بازتابگر این شیوه‌ها هستند. در نقد ترجمه به طور معمول ترجمه‌های موجود در بازار ترجمه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این شیوه‌ها نمی‌بایست جنبه فردی داشته باشند، چراکه بهترین روش نقد ترجمه، شیوه استدلالی است. تعیین و تشخیص عملکرد یک ترجمه صحیح از وظایف مهم نقد ترجمه است. در این راستا میزان مهارت ترجمه یک مترجم به واسطه مقایسه متن مبدأ و متن مقصد و با در نظر گرفتن هدف ترجمه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ارزیابی یک ترجمه تنها بر مبنای درستی و یا خطا بودن آن صورت نمی‌گیرد. کلا نموداری در ارتباط با ارزیابی خطاهای ترجمه ارائه می‌دهد که شامل معیارهای «مناسب، نامناسب، نامناسب و درعین حال ممکن و غیرقابل قبول» می‌شود (کلا ۲۱۶). به طور کلی می‌توان گفت که ترجمه امری فردی و ذهنی است و متون ترجمه شده می‌توانند بر حسب بافت کلام، مخاطب و عملکرد و نقش ترجمه، ترجمه‌هایی خوب، مناسب و یا بد باشند.

تحلیل تقابلی خطا در مقایسه با تحلیل ارتباطی خطا

در گستره زبانشناسی مربوط به علم آموزش ترجمه، به طور کلی دو دیدگاه مرتبط با تحلیل خطا وجود دارد: تحلیل تقابلی خطا و تحلیل ارتباطی خطا. تحلیل تقابلی خطا به مقایسه امکانات دو نظام زبانی محدود می‌شود. عبارت هم ارزی در این میان دارای نقشی اساسی است؛ چرا که تمایزات و اشتراکات و خلاءهای زبانی موجود، در تحلیل تقابلی خطا مورد بررسی قرار می‌گیرند. این‌گونه تحلیل، بافت متن را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد و به طور عمده به عملکرد و نقش متن توجهی ندارد. تحلیل ارتباطی خطا و نقد ارتباطی ترجمه به بررسی جنبه‌های دیگری می‌پردازند. این دیدگاه‌ها در برگیرنده پرسش‌های ذیل‌اند: کدام یک از

جنبه‌های معنایی یک واژه در متن مورد نظر است؟ و چه مواردی پیش از این در متن مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ از نظر کوسماول مبنای اصلی چنین تحلیلی شناخت این واقعیت است که هر قسمتی از متن در کل متن جای دارد. کل متن از سوی دیگر به موقعیت وابسته است و موقعیت نیز با فرهنگ در ارتباط است (کوسماول ۲۰۹). بنابراین فرهنگ عامل تعیین‌کننده‌ای در عملکرد و نقش متن به شمار می‌رود. تحلیل ارتباطی خطا عملکرد متن را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد و بیشتر به جنبه‌های ارتباطی و موقعیتی متن می‌پردازد. خطاهای ارتباطی ترجمه بر اساس دامنه خطا و تأثیر آن در فهم متن مقصد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

ارزیابی خطاهای ترجمه در کلاس درس ترجمه

ارزیابی خطاهای ترجمه در یک کلاس درس ترجمه بر پایه دیدگاه‌های مربوط به علم آموزش صورت می‌پذیرد. از نظر هونیش، ارزیابی خطاهای ترجمه «مهم‌ترین برنامه‌ی آموزشی برای ایجاد مهارت ترجمه» است (هونیش ۱۳۱). ارزیابی ترجمه تنها به شناخت میزان مهارت زبانی دانشجویان محدود نمی‌شود. در این خصوص آنچه از جایگاه ویژه و پراهمیتی برخوردار است، ایجاد و تقویت «مهارت ترجمه» است. اگرچه وظیفه معلم، شناسایی و ارزیابی خطاهای زبانی و نظام‌مند دانشجویان، مانند خطاهای مربوط به دستور زبان، به‌کارگیری واژه‌های نامناسب معنایی و غیره می‌باشد، اما این ارزیابی می‌بایست در کلاس ترجمه تحت دیدگاه‌های دیگری انجام گیرد. مقایسه یک به یک عناصر متن زبان مبدأ و متن مقصد هدف غایی کلاس درس ترجمه نیست. آنچه اهمیت دارد، مقایسه کل متن مبدأ و کل متن مقصد با در نظر گرفتن هدف ترجمه، در نظر گرفتن عرف‌های زبانی، اختلافات فرهنگی موجود، پیوستگی و انسجام متن، دقت در انتخاب ترمینولوژی و غیره است که از پیش شرط‌های مهم فهم متن زبان مقصد به شمار می‌روند. بنابراین بسته به هدف کلاس درس ترجمه، در راستای رشد و تقویت مهارت‌های زبانی و یا بهبود مهارت ترجمه دانشجویان، می‌توان از شیوه‌های تقابلی و ارتباطی تحلیل خطا بهره جست.

تحلیل گفتمان

بررسی و ارائه شیوه‌ای برای تحلیل آموزشی کلاس درس ترجمه، یکی از اهداف مقاله حاضر به شمار می‌رود. تحلیل گفتمان به‌عنوان شاخه‌ای از کاربردشناسی زبانشناختی به تحلیل پدیده‌های مربوط به گفتمان از دیدگاه زبانشناسی می‌پردازد و بهترین ابزار روشمند ممکن،

جهت بررسی‌های مورد نظر است. بدین منظور کلاس درس به‌عنوان یک گفتگوی خودجوش تحت جنبه‌های زبانشناسی و کاربردی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. موضوع اصلی کلاس درس ترجمه از یک سو ارائه متن مبدأ و مقصد و از سوی دیگر جریان اعمال زبانی است. به منظور تحلیل کلاس درس ترجمه، ضبط صوتی و یا تصویری جریان درس یک پیش شرط اصلی به حساب می‌آید. اما تحلیل فیلم و یا صدا مستلزم آوانگاری است. آوانگاری شامل مشاهده دقیق فیلم، تمرکز بر روی سکانس‌های کوتاه، آوانگاری دست نویس، تصحیح آوانگاری دست نویس خام و در پایان تهیه آوانگاری ماشینی است. برای آوانگاری روش‌های مختلفی وجود دارند که بر اساس اهداف تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند. از آنجایی که در تحلیل کلاس درس به غیر از پدیده‌های کاربردی، جنبه‌های لغوی، نحوی، معنایی و آوایی نیز در نظر گرفته می‌شوند، تنظیم آوانگاشته دقیق و مناسب که با اهداف تحقیق همسو است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (دوستی‌زاده ۱-۱۳).

تحلیل خطا در کلاس درس ترجمه

روش‌های مختلفی برای تحلیل آثار ادبی ترجمه شده از زبان خارجی به زبان فارسی وجود دارد. استادان نیز در کلاس‌های ترجمه، شیوه‌های خاص خود را به کار می‌گیرند. در تحقیقی که در سال ۱۳۸۷ در گروه زبان آلمانی دانشگاه اصفهان انجام شد، سعی بر آن شد تا شیوه‌ای پیشنهاد و طراحی شود که بر اساس آن بررسی مراحل مختلف تحلیل خطا از جمله شناسایی خطاهای احتمالی، دسته‌بندی و ارزیابی آن‌ها در کلاس درس ترجمه میسر گردد. به این منظور داستان کوتاهی از فرانتس کافکا با عنوان "Der Jäger Gracchus" انتخاب و همراه با دو ترجمه مختلف آن از کتاب‌های «داستان‌های کوتاه کافکا» ترجمه علی اصغر حداد و «مجموعه داستان‌های کافکا» ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم در کلاس درس ترجمه متون علوم انسانی، که در نیمسال ۷ و ۸ تحصیلی ارائه می‌گردد، در اختیار دانشجویان قرار گرفت. یکی از ترجمه‌ها ترجمه مستقیم از زبان آلمانی به زبان فارسی و دیگری ترجمه غیرمستقیم از زبان انگلیسی به زبان فارسی بود. این تحقیق به طور عمده دو هدف را دنبال می‌کرد: از یکسو تلاش شد خطاهای دانشجویان هنگام کار با متن اصلی آلمانی و مقایسه ترجمه‌های حاضر با متن اصلی از نظر واژگانی، نحوی، معنایی و دستور زبانی تشخیص داده، توصیف، تفسیر و ارزیابی شوند و دلایل بروز این گونه خطاها و تأثیر منفی آن‌ها بر بهبود دانش زبانی و مهارت ترجمه دانشجویان مشخص شود. از سوی دیگر دو ترجمه ارائه شده در چارچوب یک مدل

نقد ترجمه توسط دانشجویان با یکدیگر و با متن مبدأ مقایسه شدند و کیفیت هر کدام از متون ترجمه شده در مقایسه با متن مبدأ آلمانی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. بدیهی است که در کلاس درس زبان خارجی و یا کلاس درس ترجمه انواع خطاهای زبانی (توانشی) و غیر زبانی (کنشی) قابل تشخیص‌اند. تحقیق حاضر در چهار مرحله انجام شد. در مرحله اول، متن مبدأ در کلاس درس ترجمه ارائه و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این مرحله سعی شد کلیه خطاهای دانشجویان هنگام بررسی و تحلیل متن مبدأ آلمانی تحت جنبه‌های آموزشی زبان مشخص و توصیف شده و خطاهایی که احتمالاً به خطای ترجمه می‌انجامند، شناسایی شوند. بدین منظور و طبق اصول تحلیل گفتمان، پس از ضبط صوتی و تصویری جریان کلاس و آوانگاری سکانه‌های مختلف و تحلیل آن‌ها به بررسی انواع خطاها و علل بروز آن‌ها پرداختیم. طبق طبقه بندی انجام شده بخشی از این خطاها، خطاهای توانشی مانند خطاهای آوایی، تداخلی، دستور زبانی، معنایی، واژگانی، نحوی و خطاهای درزبانی و بخشی نیز خطاهای کنشی مربوط به موقعیت بودند. در مرحله دوم، ابتدا ترجمه دانشجویان از متن اصلی مورد بررسی قرار گرفت و سپس ترجمه غیرمستقیم از انگلیسی به فارسی ارائه شده و با متن اصلی آلمانی آن مقایسه شد، بدون این‌که دانشجویان از غیرمستقیم بودن متن ترجمه مطلع شوند. تحلیل گفتمان کلاسی در این مرحله در راستای بررسی میزان تأثیر تحلیل متن مبدأ و درک آن در مرحله اول و اثر آن در ترجمه دانشجویان بود. بررسی نشان داد که تحلیل متن مبدأ نقش تعیین کننده‌ای در کاهش خطاهای ترجمه دانشجویان داشته است، به طوری که خطاهای زبانی و توانشی مشخص شده در متن مبدأ از سوی اکثر دانشجویان در ترجمه منعکس نشده بودند. از سوی دیگر تحلیل متن مبدأ تأثیر مهمی در مقایسه ترجمه با متن مبدأ توسط دانشجویان داشت؛ بدین مفهوم که دانشجویان در روند تحلیل تقابلی خطا قادر به تشخیص صحیح خطاهای مترجم و تصحیح آن‌ها بودند. مرحله سوم شامل ارائه ترجمه مستقیم و مقایسه آن با متن مبدأ بود. این مرحله نیز طبق اصول و قواعد تحلیل گفتمان و همانند مرحله دوم انجام شد. در مرحله چهارم ابتدا خطاهای زبانی و ترجمه دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت و تصحیح شد (مرحله پایانی تحلیل خطا). سپس دانشجویان نظر خود را در ارتباط با دو ترجمه ارائه شده بیان کردند و ترجمه مستقیم و غیرمستقیم را در مقایسه با متن مبدأ و در قالب مدل نقد ترجمه ارزیابی نمودند. نتیجه مقایسه همانگونه که انتظار می‌رفت، ارزیابی مثبت متن ترجمه شده مستقیم از زبان آلمانی نسبت به ترجمه غیرمستقیم آن از زبان انگلیسی بود.

چند مثال:

به عنوان مثال در مرحله اول که مرحله تحلیل متن بود، یک خطای زبانشناختی واژگانی در تحلیل جمله ذیل از متن مبدأ کافکا از سوی یکی از دانشجویان، قابل تشخیص است.

Auf den Stufen des Denkmals lagen Obstschalen, er schob sie im Vorbeigehen mit seinem Stock hinunter.

در زیر آوانگاشته گفتمان کلاسی در مورد این جمله را مشاهده می‌کنیم. آوانگاری بر اساس شیوه HIAT و GAT است (ر.ک. دوستی زاده)

01	S1:	auf den stufen des denkmals lagen obstschalen(.)schale denke ich ist ein großer teller ja?
02	SS:	[obstschale
03	L:	[nein obstschalen banane eine banane
04	S1:	ach so/
05	L:	was machen wir?
06	S1:	schält man-
07	L:	schält man und da haben wir in der hand=
08	S1:	es gibt auch ein wort schAle (.) das ist ein großer teller;

علت خطا از یکسو تجانس لفظی (Homonymie) میان واژگان "Schale" به معنای بشقاب توگود و "Schale" به معنای پوست میوه است. از سوی دیگر دانشجو به دلیل ارتباط معنایی موجود میان Obst (میوه) و Schale به فرضیه‌سازی ذهنی اشتباه در مورد معنی ترکیب یعنی بشقاب میوه به جای پوست میوه می‌پردازد. بنابراین این خطا جزء خطاهای در زبانی زبان‌آموز محسوب می‌شود که توسط استاد با ذکر مثال‌هایی تصحیح می‌شود.

در مرحله دوم که مرحله ارائه ترجمه متن از سوی دانشجویان است، می‌توان تأثیر مثبت مرحله اول را بطور آشکار دریافت. خطاهای ترجمه دانشجویان به دلیل آشنایی آن‌ها با ساختار متن مبدأ و واژگان آن تا حد زیادی کاهش یافته است.

01	S1:	bar ruye pelle haye mojassame puste haye miwe rikhte shode bud (.)
02		u dar halike az anja obur mikard ba asayesh anha ra کنار زاد (.)

در مرحله سوم و چهارم به مقایسه ترجمه‌های چاپ شده با متن اصلی پرداختیم. به طور مثال ترجمه‌های مستقیم و غیرمستقیم این جمله از متن اصلی به صورت ذیل است:

Ein Mann las eine Zeitung auf den Stufen eines Denkmals im Schatten des Säbelschwingenden Helden.

ترجمه غیر مستقیم از انگلیسی:

مردی روی پله‌های یادمان روزنامه می‌خواند، آسوده در سایه پهلوانی که شمشیرش را در هوا جولان می‌داد.

ترجمه مستقیم از آلمانی:

مردی روی پله ستون یادبودی، در سایه قهرمان شمشیر به دست، روزنامه می‌خواند. و گفتمان کلاسی در مورد ترجمه غیر مستقیم:

- 01 S1: unja ke raje be säbelschwingenden Helden sohbat karde inja manzur marde
ya 02 mojassamast? age mard bashe ke khob doroste shamshiresho dare tekun
mide
03 vali age un mojasamehe bashe che juri dare shamshiresho tekun mide?

همانطور که می‌بینیم ترجمه نامناسب مترجم از زبان واسط باعث عدم فهم صحیح جمله از سوی خواننده شده است.

مرحله چهارم، مرحله نقد ترجمه‌ها و ارزیابی آن‌ها از سوی دانشجویان بود. اظهار نظر دانشجویان نسبت به ترجمه جمله فوق را در قالب گفتمان کلاسی مشاهده می‌کنیم:

- 01 S1: age bekhaym moghayese konim tuye khate dovomesh in tike i ke
02 tuye matne almanish raje be in mojasame tozih dade ke
03 shamshir be dast dare, khob tarjomeye matne dowomi kheyli
04 behtare chonke unja gofte dar sayeye ghahremene shamshir be dast ke
05 un marde nashaste bude ruzname mikhunde, wali tu tarjomeye awali
06 neveshte ke dar sayeye pahlewani ke shamshirash ra dar hava jolan
07 midad, dar surati ke in mojasame bude dare tosife mojasame ro
08 mikone wa äh tarjomeye dowomi kheyli behtar az awaliye nesbat be
09 matne almanish

نتیجه

تئوری‌های تحلیل خطا که در چارچوب نقد ترجمه مورد بررسی قرار می‌گیرند بدون تحلیل متن قابل تصور نیستند. بنابراین تحلیل اساسی متن مبدأ پیش‌شرط اصلی نقد ترجمه و تحلیل خطای ترجمه می‌باشد. علاوه بر این بررسی آموزشی متون از لحاظ ساختارهای لغوی، معنایی، نحوی و دستوری در کلاس درس باعث بهبود مهارت زبانی دانشجویان می‌شود. در اینجا شیوه تصحیح خطاهای زبانی دانشجویان از سوی استاد بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه نوع و شیوه صحیح برخورد با خطاها از سوی استاد درس در مرحله تحلیل متن مبدأ می‌تواند به ارائه ترجمه‌ای از سوی دانشجو بیانجامد که حاوی خطاهای ترجمه‌ای کمتری است. از سویی نیز یکی از شیوه‌های تمرین و بهبود مهارت ترجمه، مقایسه تقابلی متون است. استفاده ناآگاهانه از متون نامناسبی که از زبان واسط به زبان مقصد ترجمه شده‌اند می‌تواند نیل به این هدف را تا حد زیادی دچار خدشه و اختلال سازند.

به منظور ایجاد و بهبود دانش زبانی و مهارت ترجمه دانشجویان در کلاس درس، شیوه‌ها و تمرین‌های متنوعی از سوی استاد درس قابل به کارگیری‌اند. یکی از این روش‌ها به کارگیری مدل‌های تحلیل خطاست. تحلیل متن مبدأ، مقایسه تقابلی ترجمه با متن مبدأ و نقد ترجمه از جمله شیوه‌هایی است که به توسعه و بهبود همزمان دانش زبانی و مهارت ترجمه کمک می‌کنند. شرط اصلی مقایسه تقابلی بررسی دقیق متن مبدأ است. در این مرحله خطاهای زیادی از سوی دانشجویان قابل تشخیص‌اند، که ریشه در عوامل و علل مختلف زبانی یا غیر زبانی دارند. این خطاهای نظام‌مند و یا غیرنظام‌مند می‌توانند به طور آشکار و یا ضمنی به خطاهای ترجمه بیانجامند که با مقایسه دقیق متن ترجمه شده و متن اصلی قابل تشخیص و طبقه‌بندی‌اند.

از توانایی و مهارت دانشجویان سال آخر رشته مترجمی زبان آلمانی در تشخیص خطاهای ترجمه غیرمستقیم و نقد ترجمه و ارزیابی آن به عنوان ترجمه‌ای نامناسب، بدون اطلاع از اینکه متن، ترجمه شده از زبانی واسط است، می‌توان دریافت که دانشجویان، کلیه مراحل تحلیل خطا شامل تشخیص، تفسیر و ارزیابی در قالب مدل نقد ترجمه را به طور ناخودآگاه و با موفقیت به انجام می‌رسانند. به همین دلیل به کارگیری چنین تمرین‌هایی در کلاس درس ترجمه می‌تواند نقش مثبتی نیز در ارزیابی کتب ترجمه شده و جلوگیری از انتشار ترجمه‌های نامناسب در بازار ترجمه کتاب داشته باشد.

Bibliography

- A'lam, A. (1384/2005). *Franz Kafka. Majmu'e dastanha*. (Franz Kafka. Collection of stories) 3. Auflage. Teheran: Niloofar.
- Dousti Zadeh, M. (2008). *Das Fach Deutsch im Unterricht an iranischen Sprachinstituten und Universitäten. Eine diskurstheoretische Untersuchung des Unterrichtsgeschehens unter besonderer Berücksichtigung der interkulturellen Kommunikation im Prozess des Lehrens und Lernens*. (The German major in universities and language institutes. A discourse-theoretical study in teaching task with special attention to intercultural communication in process of teaching and learning). Saarbrücken: VDM Verlag Dr. Müller.
- Haddad, A. (1382/2003). *dastanhaye kutahe kafka*. (Kafka's short stories) Mahi Verlag: Teheran.
- Harden, Th. (2006). *Angewandte Linguistik und Fremdsprachendidaktik*. (Applied linguistics and foreign language didactics) Tübingen: Günter Narr Verlag.
- Hellinger, M. (1976). *Über die Theorieabhängigkeit der Fehleranalyse*. (About theoretical dependency of error analysis) In: *Linguistische Berichte* (Linguistic Reports) 41. Vieweg & Sohn Verlagsgesellschaft mbH, S. 88-97.
- Hönig, H. G. (1995). *Konstruktives Übersetzen*. (Constructive translation) Tübingen: Stauffenburg.
- Kafka, F. (1993). *Franz Kafka. Erzählungen*. (Franz Kafka. Stories), Frankfurt am Main: Fischer Taschenbuchverlag.
- Kautz, U. (2002). *Handbuch Didaktik des Übersetzens und Dolmetschens*. (Handbook for translation and interpretation teaching) 2. Auflage. München: Iudicium, Goethe-Institut.
- Kielhöfer, B. (1975). *Fehlerlinguistik des Fremdsprachenerwerbs. Linguistische, lernpsychologische und didaktische Analyse von Französischfehlern*. (Error linguistics of foreign language acquisition. Linguistic, educational linguistic and didactic analysis of French errors) Kronberg: Scriptor.
- Kleppin, K. (1997). *Fehler und Fehlerkorrektur*. (Errors and error-correction) Goethe-Institut München.
- Koller, W. (1997). *Einführung in die Übersetzungswissenschaft*. (Introduction to translation studies) 5. Aktualisierte Auflage. Wiesbaden: Quelle und Meyer.
- Königs, F. (2003). *Fehlerkorrektur*. (Error correction) In: Bausch et al. (2003): *Handbuch Fremdsprachenunterricht*. (Handbook of foreign language teaching) 4. Auflage. Tübingen/Basel: A. Franke Verlag, S. 376-382.

- Kußmaul, P. (1986). *Übersetzen als Entscheidungsprozeß. Die Rolle der Fehleranalyse in der Übersetzungsdidaktik.* (Translation as a decision making process. The role of error-analysis in the translation didactics) In: Snell-Hornby (1986): *Übersetzungswissenschaft-eine Neuorientierung: zur Integrierung von Theorie u. Praxis.* (Translation science- a new orientation for integration of theory and practice) Tübingen: Francke, S. 206-229.
- Legenhausen, L. (2001). *Lernerfehler in Forschung und Unterrichtspraxis.* (Learner errors in research and teaching in practice) In: O. H. Jung U. (2001): *Praktische Handreichung für Fremdsprachenlehrer.* (Practical handout for foreign language teachers) 3. durchgesehene Auflage. Frankfurt am Mein; Berlin; Bern; Bruxelles; New York; Oxford; Wien: Lang, S. 47-51.
- Michiels, B. (1999). *Die Rolle der Niederländischkenntnisse bei französischsprachigen Lernern von Deutsch als L3. Eine empirische Untersuchung. Teil2* (The role of Dutch Knowledges for French-speaking learners to translate from German as L3. An empirically research. Part 2) <http://zif.spz.tu-darmstadt.de/jg-03-3/beitrag/mich2.htm> [09.1386]
- Nickel, G. (1972). *Fehlerkunde.* (Error science) Berlin: Cornelsen-Velhagen & Klasing.
- Nord, C. (1995). *Textanalyse und Übersetzen.* (Text analysis and translation) Heidelberg: Groos.
- Siepmann, D. (1997). „*Übersetzungsunterricht zwischen Wunschvorstellung und Wirklichkeit: Theoretische Überlegungen, empirische Befunde und Anregungen für die Praxis*“. (Translation teaching between Imagination and reality: Theoretical considerations, empirical findings and Impetus for practice) www.dirk-siepmann.de/deutsch/seiten-ohne-navigation/001-uebersetzungsunterricht.htm [09.1386]
- Wode, H. (1978). *Fehler, Fehleranalyse und Fehlerbetonung im Lichte des natürlichen L2-Erwerbs.* (Errors, error-analysis and emphasis on errors in the light of L2 natural acquisition) In: Berkle, et al. (1978): *Linguistik und Didaktik.* (Linguistics and didactics) 9. Jahrgang. München: Wilhelm Fink Verlag, S. 233-245.